

نفت، تحریم و هدفمند کردن یارانه‌ها

گفت و گو با کارشناس نفت

ثابت بودن مبلغ قرارداد و برداشت و سر و ته قرارداد معلوم نیست ولی با این حال آن را قبول می‌کنند. بر اساس مناقصه مبلغی را اعلام می‌کنند و سودی را پس می‌دهند. آنها در مرحله بهره‌برداری حضور ندارند که البته از پیش بوده و حالا هم هست. کمپانی‌ها در عراق در مرحله بهره‌برداری هم حضور دارند، ولی مالکیتی بر نفت معزّن و بر نفت تولیدی و فروش آن ندارند. مالکیت نفت متعلق به دولت عراق است. شرکت خارجی پول ثابتی برای تولید هر بشکه می‌گیرد، مثلاً دو یا سه دلار، به عبارتی هر کسی که نرخ پایین‌تری داد، برنده می‌شود تا به اهداف قرارداد برسد. در عراق اکتشافات انجام شده و بیشتر حفاری‌ها توسعه‌ای هستند. به نظر می‌رسد روشی که عراقی‌ها در جنوب کشورشان برای مخازنشان پیش گرفتند روش معقولی است.

□ یعنی بدون قرارداد و قانون نفت است؟

□ به هر حال بر اساس قانون موافقت شده است.

□ چرا ایران نتوانست یکی از قراردادها

عراق را در دست بگیرد؟

□ اصلاً ایران به آن سو نرفت و البته به ایران هم

نمی‌دادند. عراق در سطح و کلاس بین‌المللی

کار کرد و مادر آن سطح نیستیم. اگر اکنون هم

ایران هست کند تنها کاری که می‌تواند انجام

□ این قراردادها به شکل بیع متقابل پیشرفته است به این معنا که مقاطعه کار خارجی در برابر تولید هر بشکه، پولی می‌گیرد. این قراردادها شبیه قراردادهایی است که در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۲ شمسی در ایران تصویب شد که در آن قرارداد سهم‌بری (Production Sharing) مقاطعه را هم برداشتند و حتی در این اواخر کسب سهم نفت به شرکت خدمات نفتی یا Oil Service Company تبدیل شد. در قراردادهای عراق اکتشاف نیست، اما از بیع متقابل مایک قدم پیشرفته‌تر است.

□ امتیاز آنها نسبت به ما چیست؟

□ مشکلی که وجود داشت این بود که مبلغ

قرارداد را ثابت نگه می‌داشتیم، اما بعدها دولت

تحریم بنزین مشکل ساز

نیست، مسئله مشکل ساز

این است که فاصله ما با

همسایگانمان بیشتر شده که

در این صورت خطر امنیت ملی

تهدیدمان می‌کند و بیکاری،

عدم توسعه، فقر، تورم و گرانی

آسیب شدیدی

به کشور می‌رساند

□ او با انرژی خورشیدی را در آمریکا مطرح کرد و گفت با این طرح ۲ میلیون شغل ایجاد می‌کند، می‌توان گفت این کار برای کاهش وابستگی نفتی آمریکا به اعراب و مسلمانان نیز بوده و به هر حال یک پروژه علمی در راستای انرژی‌های پاک، پایان‌ناپذیر و به نفع بشریت هم است؛ آیا در ایران در این زمینه کارهایی شده است؟

□ هم اکنون در ایران روی انرژی بیاد و خورشیدی کارهایی شده، ما دستاورد و تکنولوژی غربی را می‌گیریم و مقداری هم خودمان ابتکار می‌کنیم، که اگر این کار ادامه یابد هم خوب است و هم ایجاد اشتغال می‌کند. این بار سنگین توسعه و تحقیق را تنها آمریکایی‌ها می‌توانند بردارند و حتی اروپایی‌ها هم قادر به انجام آن نیستند. اگر آمریکایی‌ها در تکنولوژی انرژی خورشیدی پیشرفت کنند و بتوانند قیمت آن را کاهش دهند به نفع بشریت است.

□ در نشریه چشم‌انداز ایران درباره قانون نفت عراق،^(۱) مقاله‌ای آمده که این قانون هنوز در مجلس تصویب نشده و مخالفت‌های زیادی از سوی اتحادیه‌های کارگری، نخبگان و... صورت گرفت، چرا که اصل ملی شدن نفت عراق را نقض می‌کند. آیا از قراردادهای جدیدی که در عراق امضای شود اطلاعی دارید؟

دهد و برایش مفید است این است که بخشی از این قراردادها را از شرکت های بین المللی بگیرد. در عراق باید بیش از ۱۰۰۰ حلقه چاه حفر کنند، گل حفاری، فسرآوری، جاده کشی، کمپ و... و ده ها میلیارد دلار پول خرج می شود و اگر ایران ۳۰-۲۰ درصد آن را در دست بگیرد، در ایران مقدار زیادی اشتغال ایجاد می شود، ایرانی ها هم به این کارها وارد هستند. ما باید به این سو برویم و گرنه قرارداد بستن و... در ظرفیت مانیست.

آیا مهندس شهرستانی وزیر نفت عراق تا به حال مشورتی از ایران نگرفته است؟
آتا آنجا که من می دانم با ایران میانه خوبی ندارد.

با توجه به افت فشار در مخازن، عدم سرمایه گذاری همراه با تکنولوژی و فرآیند کمی الگوی مصرف و جمعیت، مخازن ما وضعیت خوبی ندارد و افزون بر تحریم ها، تورم و هدمند کردن یارانه ها را در پیش داریم. مهندس آقای می گفت در صنعت پتروشیمی ظرفیت ۱۲ میلیون لیتری بنزین داریم تا در موقعیت اورژانسی استفاده کنیم. نظر آقای کاتوزیان نماینده مجلس این است که این کار زیانبار است، با این وضعیت چشم انداز ایران چگونه است؟

تخصیص این که اولویت ما باید در پارس جنوبی باشد تا زمانی که بتوانیم ۲۶ یا ۲۷ فاز بهره برداری گازی را فعال کنیم، چرا که این مخزن مشترک بین ما و قطر است. درباره مخازن نفتی هم باید به یاد آوران، آزادگان و دیگر میدان های مرزی مان اولویت دهیم.

درباره تحریم که اشاره کردید در کشور ما تحریم معضل اصلی نیست، بلکه مشکلات تکنولوژی و فهم مدیریت است که ما را گرفتار کرده و باعث شده تولید پایین بیاید. اگر تحریم هم نبود همین اتفاق های افتاد.

یعنی اگر تحریم نبود سرمایه گذاری نمی شد؟

بحث سرمایه گذاری یک موضوع است، افت طبیعی مخازن همیشه با کارهایی درست می شود، اما حالا تولید، افتی فاحش دارد و دلیل اصلی اش نبود تکنولوژی و یاروند طبیعی افت فشار نیست، البته آنها را هم با روش های مختلفی که وجود دارد تا محدودی می توان جبران کرد. در این ۴۵ سال هم کار زیادی صورت نگرفته که مشکلات را به تحریم نسبت دهیم. مشکل این

زمانی است که می خواهیم سهم ما در بازار جهانی به هر قیمتی کم نشود، اما در شرایط بحرانی مهم مقدار فروش نیست، بلکه استفاده از پول اهمیت دارد

فرض کنید روزی ۲/۵ میلیون بشکه نفت خام هم بفروشیم، ولی اگر نتوانیم از پول آن خوب استفاده کنیم و به هر جا خواستیم انتقال دهیم و اعتبار گشایی (LC) کنیم و آن را هم نپذیرند و به هر کشوری که برویم هیچ بانکی حاضر نباشد با ما کار کند، عملاروند زندگی مان دچار اختلال می شود. به عبارت دیگر چه تفاوتی است بین زمانی که انسان پولی نداشت و یا پول زیادی دارد، اما وقتی به بازار می رود به او جنس نمی دهند؟

است کسانی که در صنعت نفت فعال هستند اصولاً اعتقادی ندارند که باید از تکنولوژی های دیگران استفاده یا تعامل کرد، در حالی که باید از دانش نوین بشری استفاده کرد.

از یک سو می بینیم که در آمد نفت برای آنها حیاتی است، پس چرا اعتقاد ندارند؟

تدر سطح بالای مملکت این گونه است، ولی در سطح پایین قفل شده است، امروزه صنعت نفت ما از نیروهای متفکر و خلاق خالی شده و متأسفانه آنچه مهم است اطاعت از بالا و مخالفت با قبلی هاست، این مسئله برایشان از کارایی و توانمندی با اهمیت تر است و البته فاجعه می آفریند و کارها پیشرفت اندکی دارد.

درباره ظرفیت ۱۲ میلیون لیتری بنزین که اشاره کردید درست است، به این معنا که در صنعت پتروشیمی، آروماتیک هار می شود به بنزینی تبدیل کرد که مسمومیت می آورد. می توان به آن بنزین و متانول (الکل متیلیک) افزود، که البته هر دو زیان دارد و متانول ممکن است کوری و مسمومیت به بار

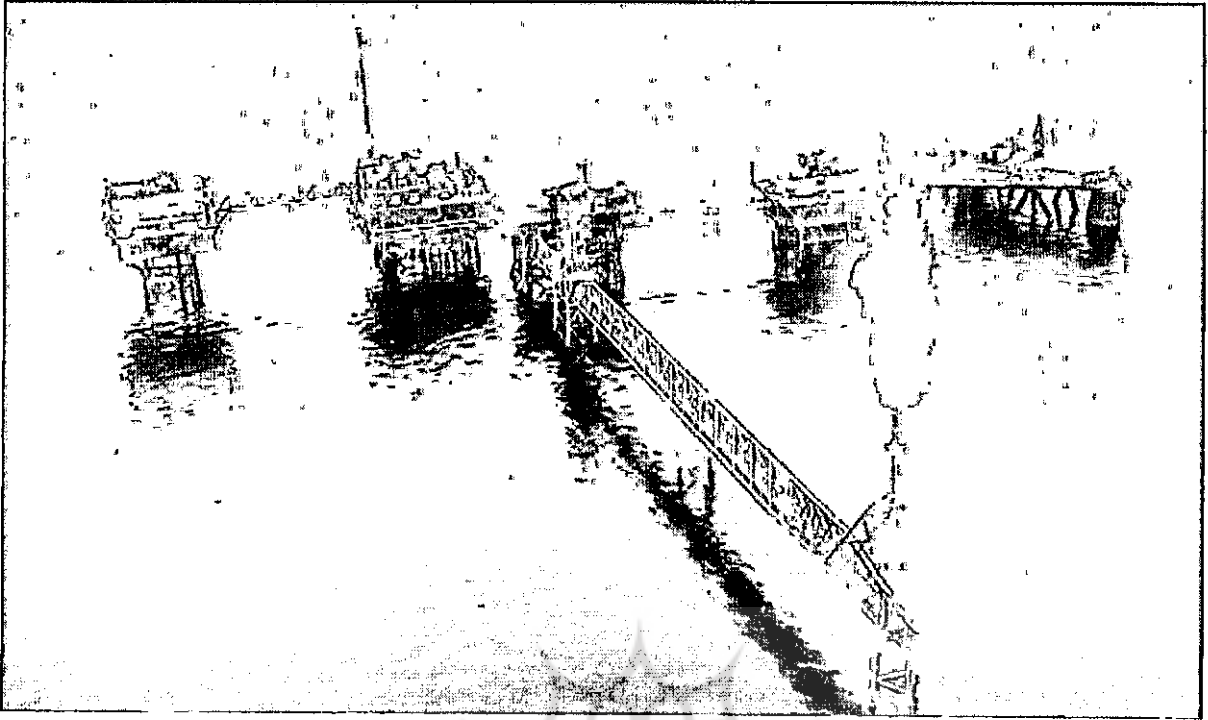
بیاورد و اگر مردم اطلاعات لازم را نداشته باشند در درازمدت مشکلات فراوانی به وجود می آورد.
از نظر قیمت هم متفاوت است.

قدر شرایط اورژانس بحث قیمت، بحث متفاوتی است. وقتی چنین بنزینی استفاده می کنیم تولیدات مجتمع پتروشیمی مان را کاهش می دهیم و بحث اقتصادی مطرح نیست، ولی امروز می خواهیم بگوئیم ما قدرت تولید داریم و تحریم را شکسته ایم.

آیا با وجود زیان ها و مسمومیت های یاد شده در درازمدت می توانیم این کار را انجام دهیم؟

اینها باز تاب های مختلف خود را دارد. مسئله بنزین برای ایران آن چنان مشکل ساز نیست. برای حل بنزین، راه حل های زیادی وجود دارد. ما بهترین ارزان و ماشین گران، راه ایران آورده ایم، در حالی که در کشورهای دیگر ماشین ارزان و بنزین گران وجود دارد و عمر خودروها را هم نمی گذارند از ۵ سال بیشتر شود، مثلاً در کره جنوبی ماشین ۵ ساله را اوراق می کنند و دوباره برای خودروسازان بازار ایجاد می کنند و مردم هم همیشه از خودروهای خوب با راندمان حرارتی بالا و ایمنی خوب استفاده می کنند و چرخ کارخانه ها هم به جریان می افتد.

امریکا کمترین حساسیت را به مصرف بنزین دارد، اما در کره جنوبی و ژاپن حساسیت زیادی وجود دارد. اگر برای یک خودرو، دولت ۵ میلیون تومان مالیات و... بگیرد و خودرو به مردم گران تر فروخته شود، از یک سو دولت ۵ میلیون تومان به دست آورده... که اگر آن ۵ میلیون را در بانک می گذاشتیم سالی یک میلیون تومان می گرفتیم ولی از سوی دیگر اگر استهلاک آن را در نظر بگیریم در مجموع نزدیک به ۲ میلیون در آمد سالانه از دست می رود. این ۲ میلیون را اگر روی ۲ هزار لیتر بنزین تقسیم کنیم، لیتری ۱۰۰۰ تومان می شود، یعنی در واقع ۱۰۰۰ تومان پول بنزین با خودروی گران می دهیم. وقتی بنزین گران می شود باید خودرو را رزان شود، اما ما هر دو را گران می کنیم. افزایش قیمت بنزین برای محیط زیست و در کل برای تولید کشور بسیار خوب است، اما نباید از خودرو مالیات و عوارض بگیریم، باید خودروهایی وارد بازار شود که مصرف بنزین آن کم باشد. اکنون در دنیا خودرویی که در ۱۰۰ کیلومتر، ۶.۷ لیتر مصرف دارد زیاد است. تحریم بنزین مشکل ساز نیست، مسئله مشکل ساز این



است که فاصله ما با همسایگانمان بیشتر شده که در این صورت خطر امنیت ملی تهدیدمان می‌کند و بیکاری، عدم توسعه، فقر، تورم و گرانی آسیب شدیدی به کشور می‌رساند.

□ در این مقطع با توجه به کمی اعتماد آیا بالا رفتن قیمت انرژی عوارضی به بار نمی‌آورد؟

□ بعید می‌دانم این کار را انجام دهند و اگر انجام دادند باید تشکر هم کرد، چرا که کار مهمی است، اما اگر توقفی در کار صورت گیرد ۲۰ سال به عقب می‌افتد.

□ آیا کاهش خرید نفت خام از ما واقعیت دارد؟

□ اگر بگویم نفت را کسی نمی‌خرد حرف درستی نیست. قیمت نفت در بازار آن چیزی است که می‌توانیم بفرشیم و می‌خرند و معامله می‌شود و باید در مذاکره قیمت را کاهش داد تا بخرند، اینجا است که مدیریت لازم است.

□ یعنی پروسه تصمیم‌گیری ضعیف است؟

□ قدر بخش نفت این اتفاق افتاده و کسی مسئولیت کاری را نمی‌پذیرد و نگران است که بعدها حساب پس بدهد و یا ۵ دلار ارزان‌تر کردن، سال‌ها باید پاس‌خگو باشد و واقعا هم نمی‌توان پاسخی داد. باید اعتماد داشت که شرایط غیر طبیعی است و باید تا تخفیف فروخت.

□ آیا کشورهای عضو اوپک و مردم منطقه ما را متهم به ارزان‌فروشی نمی‌کنند؟

□ قیمت ربطی به اوپک ندارد، وظیفه اوپک این است که کم و زیاد شدن سهمیه را بررسی کند، که البته آن هم ضمانت اجرایی ندارد.

□ ولی ارزان‌فروشی هادر مطبوعات و افکار عمومی مطرح می‌شود.

□ مسئله‌ای نیست، می‌توانیم بگوئیم در تحریم هستیم و موقتی است.

□ یعنی مصالح مملکت ایجاب می‌کند که این گونه ارزان‌فروشی کنیم؟

□ اگر لازم شد و نفت روی دست ما ماند، باید

اگر کل درآمد نفت ما تهدید شود جنگ خواهد شد و ناآرامی‌هایی در منطقه به وجود خواهد آورد. اعراب تمایل به جنگ ندارند. امریکایی‌ها هم تاروژی که تصمیم به جنگ نگرفته‌اند، نفت خام را تحریم نمی‌کنند، ممکن است برای محدود کردن فشار بیاورند و شاید به همین دلیل باشد که آنها روی تحریم بانکی فشار می‌آورند

این کار را کرد.

□ گفته می‌شود نفت خام در شناورهای در دریا موجود است که خریداری نمی‌شود.

□ البته اصلاً این گونه نیست که خریداری نشود، چرا که تحریمی روی نفت خام ایران وجود ندارد.

□ اما امریکا فشارهایی گذاشته و در مطبوعات هم آمده که نفت ایران را کمتر بخرند و حتی ژاپن به دلیل رکود داخلی‌اش، خرید نفت را کم کرد، اما به گونه‌های دیگر وانمود کرد که از امریکا امتیاز بگیرد.

□ ممکن است نفت خام به سوسی خریداران سستی نرود، اما با قیمتی کمتر به جای دیگر برود و طی یک سلسله زنجیره‌های معاملاتی سود آور به مقصدهای مورد نظر برسد. زمانی است که می‌خواهیم سهم مادر بازار جهانی به هر قیمتی کم نشود، اما در شرایط بحرانی مهم مقدار فروش نیست، بلکه استفاده از پول اهمیت دارد.

□ در گذشته اعتقاد بر این بود که تحریم، بزمین موفق نخواهد بود، ولی تحریم‌های بانکی، مشکلاتی برای ما به بار می‌آورد.

□ کتون در نقل و انتقال، دریافت و جابه‌جایی پول دچار مشکل هستیم. فرض کنید روزی ۲/۵ میلیون بشکه نفت خام هم بفرشیم، ولی اگر نتوانیم از پول آن خوب استفاده کنیم و به هر جا خواستیم انتقال دهیم و اعتبار گشایی (LC) کنیم

و آن راهم پذیرند و به هر کشوری که پرویم هیچ بانکی حاضر نباشد با ما کار کند، عملاروند زندگی مان دچار اختلال می شود. به عبارت دیگر چه تفاوتی است بین زمانی که انسان پولی ندارد و یا پول زیادی دارد، اما وقتی به بازاری می رود به او جنس نمی دهند؟ هدف از صادرات چیست؟ هدف غایی صادرات، دستیابی به ارزهای معتبر و توانایی برای واردات مفید است. اگر ارز را ننگه داریم تورم ایجاد می شود. اگر ارز داشته باشیم و نتوانیم چیزی را وارد کنیم به این معناست که عملارازی نداریم. سیاست امریکا همین است. اصلاً برای صادرات نفت خام مشکل ایجاد نمی کند، چون از نظر سیاسی و نظامی در منطقه برایش مشکل ساز است و ایران نیز آن را تحمل نمی کند.

این که ایران تحمل نمی کند به چه معناست؟ یعنی جنگ می شود. اگر قرار باشد نفت ما از خلیج فارس بیرون نرود، طبیعی است که نفت دیگران هم نباید از آنجا خارج شود.

در شرایط عدم خرید نفت، گونه این که مانع شوند جنگی بدون بهانه رخ خواهد داد.

اما جنگ می شود، منطقی هم است. امریکا هم نمی گوید صادر نشود و مانع صادرات هم نمی شود.

اگر نفت را نخرند چه می شود؟

دست کم آن است که با محدود شدن خرید، در بخش هایی همان ۵۵ دلار در هر بشکه زیان می کنیم، مانند این است که نفت کمی صادر کرده ایم.

طرح دکتور آمیت مور کارشناس اسرائیلی این است که برای به زانو در آوردن ایران باید خرید نفت خام را تحریم کنند.^(۲)

به نظر من امریکا این کار را نمی کند. تحریم نفت خام معادل جنگ است، اگر امریکا تصمیم به جنگ گرفت آن گاه در عمل تحریم هم صورت می گیرد.

مقام رهبری گفتند اگر نگذاشتند نفت ما صادر شود ما هم نمی گذاریم نفت بقیه صادر شود، ولی اگر نخرند چه باید بکنیم؟

در باره تحریدن به نظر ناممکن است، چرا که نفت چیزی نیست که نخرند.

نبی توان بادنیان جنگید.

این کار را نمی کنند. این کار به مصرف کنندگان نفت دنیا فشار وارد می کند، چرا که قیمت نفت بالا می رود.

■ امریکا تلاش می کند تا عربستان کمبود عرضه نفت را جبران کند.

اگر عربستان کمبود نفت را تقسیم کند در این صورت اقدامی جنگی علیه ایران انجام داده و به ایران اجازه می دهد به خاطر منافع ملی اش دست به هر اقدامی بزند. عربستان نیز بسیار آسیب پذیر است، کشتی زیر آب رفتن و... این روزها اتفاق عجیب و غریبی نیست.

در مورد کویست در زمان جنگ همین کار با یک نفتکش کویستی انجام شد و حاصل آن میلیاردها شدن بیشتر خلیج فارس توسط نیروی دریایی و هوایی امریکا بود.

اگر کل درآمد نفت ما تهدید شود جنگ خواهد شد و ناآرامی هایی در منطقه به وجود خواهد آورد. اعراب تمایل به جنگ ندارند. امریکایی ها هم تاروژی که تصمیم به جنگ نگرفته اند، نفت خام را تحریم نمی کنند، ممکن است برای محدود کردن فشار بیاورند و شاید به همین دلیل باشد که آنها روی تحریم بانکی فشار می آورند.

شنیده ایم که عربستان نیز گفته جنگ با ایران غیر قابل پیش بینی است و برای همین تحریم ها باید ادامه پیدا کند تا ایران ضعیف شود.

درست است، چرا که عربستان به دنبال بقای خودش است. ایران مانند کشتی تایتانیک است که در کنارش تعداد زیادی قایق وجود دارد، اگر برای کشتی اتفاقی بیفتد همه آنها زیر آب می روند، ولی معلوم نیست آیا این قایق ها می توانند زودتر از این معرکه کنار رفته و نجات پیدا کنند؟ در آن صورت اتفاق های مهنسی در منطقه رخ می دهد که قابل پیش بینی نیست. اعراب ایران را بدون هدف ویرانه می خواهند که از اما منظور ضعیف نگه داشتن نیست، اما غرض دلیلی برای ضعیف نگه داشتن ایران ندارد. دولت های عرب می خواهند ایران از نظر توسعه ای کشوری پیشرفته نباشد.

آنها تا آنجا که بتوانند به سوی محدود کردن مقدار صادرات می روند و مهمتر از آن دسترسی کار و بهره و روز در آمدها و ارزهای حاصل از صادرات است که در برابر آن ایران نتواند واردات مفیدی برای توسعه خود داشته باشد.

آیا پیش از ۷۰ میلیارد دلار واردات سالانه همان خط مشی نفت در برابر دارو و غذا نیست که در عراق اجرا کردند؟

در مورد ایران این کار را انجام نمی دهند،

وقتی صادرات نفت از ۱/۸ میلیون بشکه به ۱/۵ میلیون بشکه در روز برسد آن هم بدون دخالت امریکا، این همان نفت در برابر دارو و غذاست، تازه به پول آن هم دسترسی کامل نداریم، اما عراق به پول آن دسترسی داشت. البته تلاش هایی می شود که این اتفاق ها نیفتد، ولی آنها هم تلاش دارند که روزنه های برون رفت ما را ببندند.

به نظر می رسد با خرید مقداری طلا بتوانیم مشکل واردات را با طلا به جای ارز حل کنیم.

مشکل ایران و حجم مبادلاتش با کیف طلا، قایق، لنج و... حل نمی شود.

در نشریه چشم انداز ایران (شماره ۶۳)

مقاله ای آمده با این مضمون که پایدارترین شخصیت در نظام جمهوری اسلامی، مقام رهبری هستند و بقیه مسئولان چند سال می مانند و بعد جابه جایی شوند. ایشان در چشم انداز آینده با چهار منحنی روبه رو هستند: الف - الف فشار مخازن، ب - عدم سرمایه گذاری همراه با تکنولوژی، ج - افزایش مصرف و افزایش جمعیت، برآیند این چهار منحنی منفی است به این معنا که

همان طور که دکتر احمدی نژاد گفت تا چند سال دیگر صادرات نفت خام و در پی آن درآمدی نخواهیم داشت، لایحه مالیات بر ارزش افزوده هم که به سرعت تصویب و اجرا شد با مقاومت مردم روبه رو و در نهایت از آن عقب نشینی شد. در شرایط کنونی چه حزب الهی و چه غیر حزب الهی مالیات گریزند، بنابراین آیا جوهر طرح تحول اقتصادی و یا هدفمند کردن یارانه ها این نیست که ۹۰ هزار میلیارد تومان یارانه سالانه که به مردم تعلق می گرفت در دست دولت باشد تا دولت آن را تنظیم کرده و اگر شرایط اضطراری بود به مردم ندهند، مانند یارانه کاغذ مطبوعات که نقدی شد و آن گاه کنترل و محدود شد و اعلام شد به نشریاتی که مجوز قانونی دارند، ولی در خط خاصی قلم نمی زنند داده نمی شود.

بله این نوعی ابزار مدیریت سیاسی است.

چشم انداز طرح تحول با وضعیت کنونی چه می شود؟ دکتورستاری فرمی گفت چهار ویژگی باید داشته باشد که حالا هیچ یک را ندارد.^(۳)

شرایط برای این کار آماده نیست، اما اگر می خواهند انجام دهند ما سئواله می گوئیم. با این فضای امنیتی، شورش می هم انجام نخواهد شد و مردم پختگی زیادی پیدا کرده اند.

برای خط لوله گاز صلح که قرار بود به

پاکستان و هند برود افتتاحیه ای برگزار شد، پس از آن چه شد؟

□ به هند که نمی رود، خط لوله ای است که تنها برای بلوچستان خوب است و حتی برای سیستان هم با این قطر و هزینه مناسب نیست، ما برای پاکستان گاز نداریم. در تابستان امسال برای مصارف داخلی هم با کمبود گاز روبه رو بودیم. **■** برخی در گذشته از این خط لوله حمایت می کردند و اعتقاد داشتند که هم برای تزریق در چاه ها گاز وجود دارد و هم برای مصرف داخلی و حتی برای صادرات، آیا اکنون هم این اعتقاد وجود دارد؟

□ بله، اما متأسفانه طرح های توسعه پارس جنوبی اجرا نشده است. ۱۶-۱۷ فاز پارس جنوبی باید به بهره برداری می رسید، که هنوز ۱۰ فاز هم به بهره برداری نرسیده است. به نظر می رسد پول هایی خرج می شود، ولی برای مملکت گاز نمی شود و بعید است که تا پایان دوره چهار ساله دوم، فاز ۹ و ۱۰ تمام شود.

□ نشریه مدتی است با صاحب نظران توسعه ایران گفت و گو می کند، گفته می شود برای گذار به توسعه سه شرط لازم است: نخست قانونگرایی در سطح بالا، دوم وجود نهادهای پایدار که پشتیبانی می شود و سوم این که نظامی ها تحت کنترل سیاستمداران باشند، مانند رفراندوم اخیر ترکیه که شرط سوم را طی می کند. آنها بارای مردم انتخاب شدند نه یک بار و دوبار بلکه چند بار؛ با توجه به این موارد توسعه پایدار را چگونه باید پیش برد؟

□ در کشورهای جهان سوم که نفت است و درآمد قابل توجه نفتی دارند دموکراسی وجود ندارد، حتی یک نمونه هم یافت نمی شود، یعنی در کشورهایی که وزن نفت در تولید ناخالصش بالای ۴۰ تا ۴۵ درصد باشد دموکراسی وجود ندارد.

■ پس امارات چگونه است؟

□ آنها لیبرالیسم دارند، ولی دموکراسی ندارند. حکومت لیبرال دارند و از قواعد توسعه اقتصادی استفاده می کنند و اقتصاد لیبرالی را پذیرفته اند، ولی آزادی به معنای وسیع کلمه ندارند. توسعه بدون نهادهای متناسب ایجاد نمی شود، بهترین آن نهادها، قدرتمند شدن بخش خصوصی است. بخش خصوصی مساعده قدرت ندارد و اگر هم دارد وابسته به نفت وارداتی است و چندان خصوصی نیست. بخش خصوصی مستقلی نداریم که برای نمونه بگویم ۷۰ درصد

تولید توسط آن انجام می شود. حتی بخش متناسب اثر گذار در ساختار و آرایش سیاسی جامعه و یا حزب هایی که در پیوند با ساختارهای قدرت اقتصادی سازمان های مردم نهاد باشند را نداریم، قدرت نفت اجازه نمی دهد این اتفاق بیفتد. تنها کشورمان نیست که دولت نفتی دارد، بقیه کشورها هم این گونه اند. وقتی نفت در اختیار مان باشد همیشه می توانیم طوری رفتار کنیم که در آرای سیاسی مردم اثر بگذارند و چنین آرای علیه آزادی عمل می کند.

در کشور ما در دوران نفتی، نهادهای اقتصادی مستقل از دولت قوی نشده و همه وابسته به دولت هستند. اگر دولت کار بد همه کاری می کنند دولت کار ندهد همه آنها تعطیل می شوند.

■ درصد بالایی از هزینه های جاری مملکت از نفت است، این پارادوکس چگونه حل می شود و توسعه پایدار چگونه انجام می گیرد؟

□ باید مباشرت و دخالت مستقیم در هزینه کرد نفت را تا آنجا که ممکن است از دولت گرفت.

■ اگر وابستگی به نفت بیش از ۴۰ درصد باشد توسعه و دموکراسی ناممکن است، در ایران که این وابستگی بیشتر است.

□ این بستگی به قیمت نفت دارد. ۴۵ سال پیش ۵۰ درصد تولید ناخالص ایران نفت بود، ولی حالا کمتر شده است. اصل داستان این است که اگر این پول دست دولت باشد، اگر دولت می خواست همین مقدار درآمدی که از نفت دارد از مالیات داشته باشد، تولید ناخالص ایران از ۱۳۰۰-۱۲۰۰

میلیارد دلار بر آورد نمی شد. نمی توان به تولید ۱۲۰۰-۱۳۰۰ میلیارد دلاری رسید، اما انتظامات یک توسعه پایدار رادر کشور مستقر نکرد. دولت مایه کمک در آمد نفت قدرت بزرگی دارد که به نظر می رسد از این راه به توسعه پایدار نمی رسیم و در راستای توسعه پوپولیستی است. بهتر است پول

نفت بین مردم تقسیم شود که هر گونه می خواهند هزینه کنند، بالاخره مردم ما پس از این که بخشی از آن پول را برای نیازهای اولیه خود استفاده کردند شروع به سرمایه گذاری، مضاربه، تعاونی، بورس و... می کنند. برخی از آن پول هم صرف خرید کالاهای تولید داخلی می شود که چرخ کارخانه ها فعال می شود. اما حالا پول دست دولت است و دولت به نمایندگی ملت تصمیم می گیرد و این جریان دور مرغ و تخم مرغ است. در درجه اول مردم باید عمیقاً بخواهند و این کار را به نخبگان



اصلی ترین مسئله ای که توسعه را به وجود می آورد خواست عقلا و اندیشه حامیان آنها و ذهنیت مردم کشور است، تا این عقلانیت نباشد توسعه صورت نمی گیرد. به عبارت دیگر ضامن توسعه، عقلانیت نخبگان و سپس عقلانیت جامعه است و تا این عقلانیت به رده های پایین نرود، هر کاری انجام شود کسی آن را به هم می ریزد

خود تفهیم کنند و به آن وفادار باشند، و گرنه هر قانونی که گذاشته شود ممکن است لغو شود. پیش از انقلاب در سال ۱۳۵۲ در دوره ای پول نفت وارد بود چه شد و می گفتند این وامی است که برای اجرای طرح های ما می دهیم، آن زمان رشد اقتصادی ایران بسیار خوب شد و بخش های اقتصادی ما خوب رشد کردند، اما اشکال این بود که تنها برای طرح های دولتی وام می دادند، با وجود این باز صندوق ذخیره و حساب ذخیره به وجود آمد و پیشرفتی انجام شد. در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی تغییرات جدی صورت گرفت، اما اصلی ترین مسئله ای که توسعه را به وجود می آورد خواست عقلا و اندیشه حامیان آنها و ذهنیت مردم کشور است، تا این عقلانیت نباشد توسعه صورت نمی گیرد. به عبارت دیگر ضامن توسعه، عقلانیت نخبگان و سپس عقلانیت جامعه است و تا این عقلانیت به رده های پایین نرود، هر کاری انجام شود کسی آن را به هم می ریزد. باز و سلب آزادی، توسعه انجام نمی گیرد و اگر نهادهای پشتیبان مردم برای آزادی، درست ایجاد نشود، کارها به هم می ریزد.

در دوره دوم دولت آقای خاتمی اراده ای که به آن اشاره کردید در تکنوکرات ها و بوروکرات ها دیده می شد. وقتی دولت وارد اجرای برنامه ها شد جناح های مقابل در لایه های پوپولیستی کار کردند و کار متوقف شد، آسیب شناسی آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

توجه نظر می رسد عقلانیت در سطح وسیعی نبود. اگر شما اکنون هم بررسی کنید اصولگرایان در مجلس با اصلاح طلبان در مورد

توسعه اقتصادی اختلاف ندارند، اما از نظر توسعه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، اختلاف های بسیاری وجود دارد.

ما به چیزی رسیدیم که جامع نیست و تنها از نظر توسعه اقتصادی کار کردیم، ولی هنوز مسائل حل نشده مادر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باقی است. آن زمان در کلان اداره کشور اشکال های ساختاری پنهانی داشتیم، به همین دلیل کارهای مقطعی صورت می گرفت.

در شرایط موجود نمی توان آن سمینار نفتی که به ابتکار آقای خاتمی برگزار شد و کارشناسان زیادی را ساماندهی کرد تکرار کرد. بارها ما تکرار کردیم سمیناری درباره ظرفیت های قانون اساسی، سیاست خارجی و نفت. هر چند محدود تشکیل شود، ولی پیگیری نمی شود.

در حوزه اندیشه و ریزی نه تنها ما بلکه همه جهان اسلام دچار مشکل هستیم.

اما قانون اساسی ما یک اندیشه اجتماعی و یک اندیشه سامان یافته است و همه اقوام نیز در آن حضور داشته اند؛ چگونه می گوئید از نظر اندیشه و ریزی چیزی بد آوریم؟

بشمار آقای خاتمی هم قانون نگری بود، ولی با همان قانون او را تضعیف کردند، با همین قانون، نشریه ها را تعطیل و افراد را دستگیر کردند. به همین اندازه که قانون اساسی و قانون نگری داریم آن را قبول داریم و در چارچوب قانون می خیزیم تجرلی بشود. بحث اصلی ما مسأله است و نفی خشونت است. امروزه بزرگترین پیشرفتی که بشر در دنیا کرده این است که حکومت را بر اساس فرایندهایی که در درون آن سیستم های نظارتی تعبیه شده طراحی کرده، نه بر اساس اصول اخلاقی و اعتماد به آنها. حکمرانی خوب این روزها یک علم است و پاسخگویی نوعی عزل بدون خونریزی است. در قدیم با گلوله ای که از تفنگ خارج می شد نمی توانستیم کاری انجام دهیم، ولی امروزه در مسیر گلوله هر کاری می توان کرد، حتی جلوگیری از حرکت آن.

پی نوشت:

۱- دکتر کچشم انداز ایران، قانون نفت عراق؛ لطف الله

میشی، شماره ۴۵.

۲- دکتر کچشم انداز ایران، برنامه هسته ای ایران - تجمیرم

نفتی، گفت و گو با آیت موب، شماره ۲۹.

۳- دکتر کچشم انداز ایران، ریزش توسعه، دولت پیش برنده و

حاکمیت قانون، شماره ۶۰.